نیلاب، ریحانه؛ قنبری هاشم آبادی، بهرام علی؛ کیمیایی، سیّدعلی (۱۳۹۸). اثربخشی رویکرد بوئن بر ارتقاء تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در زنان ترک و ترکمن.
پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۹ (۱)، ۵۷-۴۱.
DOI: 10.22067/ijap.v9i1.62325

اثربخشی رویکرد بوئن بر ارتقاء تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در زنان ترک و ترکمن

ریحانه نیلاب[۱]، بهرام علی قنبری هاشم آبادی[۲]، سیّدعلی کیمیایی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۸

چکیده

هدف: بررسی اثربخشی رویکرد سیستمی بوئن بر ارتقاء تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در زنان دو قوم ترک و ترکمن در شهرستان بجنورد.

روش: شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون – پس‌آزمون با گروه کنترل بود. نمونه شامل ۱۵۰ نفر از زنان ترک و ترکمن مراجعه کننده به بیمارستان تأمین اجتماعی شهر بجنورد بود که در هر کدام از گروه‌های ترک و ترکمن ۷۵ نفر قرار گرفتند و از این میان در هر یک از گروه‌های آزمایش و کنترل به ترتیب ۸ و ۷ نفر گمارش شدند. گروه‌های آزمایش ۸ جلسه آموزش سیستمی بوئن را دریافت کردند و به گروه‌های کنترل هیچ مداخله‌ای ارائه نشد. قبل و بعد از اجرای مداخله پرسشنامهٔ «رضایت زناشویی» و «تمایزیافتگی» توسّط گروه‌های نمونه تکمیل شد.

یافته‌ها: آموزش سیستمی بوئن بر افزایش رضایت زناشویی و تمایزیافتگی زنان ترک و ترکمن دارای اثر معنی‌دار بوده است، امّا در میزان اثربخشی آن تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. یافته‌های پژوهش مؤیّد این مهم است که آموزش رویکرد سیستمی بوئن باعث افزایش تمایزیافتگی و رضایت زناشویی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: رویکرد سیستمی بوئن، تمایزیافتگی خود، رضایت زناشویی، ترک، ترکمن.

---

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی مشهد، reyhaneh.nilab@gmail.com
۲. استاد دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول)، ghanbarih@um.ac.ir
۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

خانواده یکی از کهن‌ترین نهادهای اجتماعی است که از زمان پیداش بشر وجود داشته و اساس تشکیل جامعه است (kalvandi, 2011). دستیابی به جامعهٔ سالم در گرو سلامت خانواده است (Donovan, 1999). لذا، اهمّیّت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردد، می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده تأثیر می‌گذارد که از جملهٔ آن‌ها رضایت زناشویی[1] است (Hoseyni, 1998). هر چه از عمر خانواده‌های گسترده[2] می‌گذرد و تبلور خانوادهٔ هسته‌ای[3] در جامعه بیشتر می‌شود، اهمّیّت روابط بین اعضای خانواده، به خصوص زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی خانواده واضح‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر، یکی از مهمترین عواملی که بر بقاء، دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضاء، به ویژه زن و شوهر است (Afzali, 2004). رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطهٔ زناشویی یا رابطهٔ عاشقانه کنونی فرد است. رضایت زناشویی می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به واسطهٔ بسیاری از عوامل مختصّ رابطهٔ زناشویی باشد (Ahmadi, Nabipoor, Kimiaei & Afzali, 2010).

اشنایدر[4] رضایتمندی زناشویی را مفهومی چند بعدی می‌داند که از عناصر متنوّعی از جمله: سن، جنسیت، تحصیلات، فرزندان، طول مدت ازدواج، رابطهٔ جنسی، ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روانی، دلبستگی، بخشودگی، فرایند عاطفی، عوامل شناختی، روابط کلامی، مهارت حل مسأله، ارتباط با خانوادهٔ مبدأ، وضعیّت اقتصادی، شغل، مذهب، قومیت و ... تأثیر می‌پذیرد (1972; Barazandeh, Sahebi, Amin Yazdi & Mahram, 2006). رضایت افراد از زندگی زناشویی هستهٔ اصلی رضایت از خانواده و زندگی است. به عبارتی می‌توان گفت: سلامت جامعه و خانواده در گرو رضایت افراد از ازدواجشان است. (Gattman & kats, 1989 & 1991; Edalati Shateri, 2009). با افزایش تعارض و نارضایتی در ارتباط‌های زوجین، ناسازگاری و نارضایتی افزایش می‌یابد و همین مشکلات از مقدمات طلاق و جدایی محسوب می‌شوند (Young & Long, 1998). عامل دیگری که می‌تواند بر دوام و استحکام خانواده و همچنین رضایت زناشویی تأثیر داشته باشد، تمایزیافتگی[5] است. نظریه‌پردازان زیادی سعی در تبیین عملکرد خانواده

1. Marital Satisfaction
2. Extended Families
3. Nuclear Family
4. Schneider
5. Differentiation of Self

نموده‌اند. از معروف‌ترین نظریه‌پردازان این حیطه، موری بوئن[1] است که نظریه‌ای سیستمی را ارائه نموده است. از نظر بوئن اختلافات زناشویی علامت وجود مسائل سیستمی است. بوئن روابط زناشویی را در شرایطی رضایت‌بخش می‌داند که فاقد علائم مرضی باشد. هدف اصلی بوئن برای ایجاد روابط زناشویی موفق این است که زوجین را ترغیب کند تا بالاترین حد ممکن از تمایز را به وجود آورند. اهداف او عبارت است از: کاهش اضطراب، رفع نشانه‌ها و به حد اکثر رساندن تفکیک شخصی هر یک از زوجین (Sanaii, 1995).

تمایزیافتگی خود یکی از مفاهیم کلیدی نظریهٔ نظام‌های خانواده‌درمانی[2] بوئن است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. بوئن (Bowen, 1978) تمایزیافتگی خود را به عنوان درجه‌ای که در آن فرد قادر است بین کارکرد عقلانی - هیجانی و صمیمیّت - خودمختاری در روابط تعادل برقرار کند، تعریف می‌کند. میزر (Maser, 2011) معتقد است که تمایزیافتگی یک ویژگی شخصیتی است که در سطوح مختلف درون‌روانی[3] و برون‌روانی نمایان می‌شود. از نظر او تمایزیافتگی در سطح درون‌روانی به عنوان فرایندی است که در درون فرد رخ می‌دهد و شامل مؤلّفه‌های جایگاه من[4] و واکنش‌پذیری عاطفی[5] است و تمایزیافتگی در سطح برون‌روانی نیز به عنوان فرایندی است که در روابط بین افراد به وقوع می‌پیوندد و شامل مؤلفه‌های هم‌آمیختگی با دیگران[6] و گسلش عاطفی[7] است. در دیدگاه وی مؤلفهٔ جایگاه من به معنای داشتن حس روشنی از خود و استقلال در افکار و باورها است و واکنش‌پذیری عاطفی به غلبهٔ احساس‌های فرد بر عقل و منطق‌اش و پاسخگویی بر پایهٔ هیجان‌ها اشاره دارد. امّا در سطح بین‌فردی، هم‌آمیختگی با دیگران اشاره به از دست دادن استقلال خود و انحلال و هم‌آمیختگی در طی روابط صمیمانه با دیگران، به خصوص افراد مهم زندگی دارد. گسلش عاطفی نیز بیانگر نوعی احساس تهدید و آسیب‌پذیری در روابط و بعضاً تمایل به گرفتن رفتارهای دفاعی مانند فاصله‌گرفتن، قطع ناگهانی رابطه و انکار اهمّیّت رابطه با دیگران است.

بر طبق نظر بوئن (Bowen, 1978) سطح تمایزیافتگی فرد در بین خانوادهٔ مبدأ رشد می‌کند و به شدت تحت تأثیر پویایی و تعاملات بین اعضای خانواده قرار دارد و بر زندگی آیندهٔ فرد تأثیر می‌گذارد. متأسفانه بسیاری از زوجین به دلیل امتزاج شدیدی که با خانوادهٔ مبدأ خود دارند این مجال و اجازه را به آن‌ها می‌دهند که از همان روزهای اول زندگی مشترکشان در زندگی زناشویی آن‌ها مداخله کنند به طوری که

1. Bowen, M.
2. Family Therapy
3. Intrapsychic
4. I Position
5. Emotional Reactivity
6. Emotional Fusion
7. Emotional Cutoff

هر چه امتزاج فرد با خانوادهٔ مبدأ بیشتر باشد، احتمال اضطراب و بی‌ثباتی بیشتر خواهد بود و تمایل خانواده برای یافتن راه حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال در عملکرد نیز بیشتر خواهد شد (Naghshbandi & Arjmand, 2013).

یکی از عوامل مؤثر بر تمایزیافتگی، نقش عوامل فرهنگی در زمینهٔ جمع‌گرایی و فردگرایی است. هافتد (Hofeted, 2010) در تقسیم‌بندی کشورهای دنیا از نظر جمع‌گرایی و فردگرایی، نمرهٔ فردگرایی ایران را ۴۱ با رتبهٔ ۲۴ گزارش کرده است. در حالی که فردگراترین کشور، آمریکا با نمرهٔ ۹۱ و رتبهٔ ۱ و کمترین فردگرایی مربوط به کشور گواتمالا با نمرهٔ ۶ و رتبهٔ ۳۵ است. به این ترتیب فرهنگ ایران مانند سایر فرهنگ‌های شرقی بیشتر جمع‌گرا است تا فردگرا.

در فرهنگ جمع‌گرا اغلب به همبستگی و همرنگی با جماعت به قیمت گذشتن از عقاید و ارزش‌های شخصی تشویق می‌شود و رابطهٔ بیش از حد نزدیک در روابط اعضای خانواده وجود دارد. در این فرهنگ‌ها اگر کسی قاطع باشد و نظرات، دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود را صریحاً ابراز کند خودخواه به نظر می‌رسد و با انتظارات گروه هماهنگ نیست (Murphy, 1999). در فرهنگ‌های جمع‌گرا در مقایسه با فردگرا استقلال شخصی کمتری دیده می‌شود و معمولاً افراد به هماهنگی با دیگران و انجام دادن وظایف خود در برابر دیگران ترغیب می‌شوند (Rudy, Duane, Sheldon, Kennon, Awong, Tsasha, Hoon Tan & Hwee, 2007). پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده‌اند که تمایزیافتگی پایین با اضطراب بالاتر (Peleg - Popko, 2004)، سازگاری روان‌شناختی کمتر و رضایت زناشویی پایین‌تر (Skowron & Fridlander, 1998) ، مواجه شدن با مشکلات بیشتر و داشتن مهارت حل مسأله پایین‌تر (Barahmand, 2010) در ارتباط است.

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور تعداد طلاق از ۹۴۰۳۹ مورد در سال ۱۳۸۵ به ۱۶۵۹۷۱ مورد در سال ۱۳۹۵رسیده و روز به روز نیز در حال افزایش است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۵ و پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان). توجّه به زندگی زناشویی و اعمال راهکارهایی جهت افزایش تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی، از اهمیّت به سزایی برخوردار است. از آنجایی که یکی از عوامل مؤثر در تمایزیافتگی، نقش عوامل فرهنگی در زمینهٔ جمع‌گرایی و فردگرایی است و بین دو قوم ترک و ترکمن در بجنورد (خراسان شمالی) نیز تفاوت‌های فرهنگی زیادی وجود دارد تا حدی که خراسان شمالی به «گنجینهٔ فرهنگ‌ها» معروف است. بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی و اثربخشی رویکرد سیستمی بوئن بر ارتقاء این دو مؤلفه در زنان دو قوم مذکور پرداخته شد.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. در این پژوهش از روش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده گردید.

جامعهٔ آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری پژوهش شامل کلیهٔ زنان ترک و ترکمن مراجعه کننده به بیمارستان تأمین اجتماعی شهر بجنورد در سال ۱۳۹۳ بودندکه در دامنهٔ سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند و نمونهٔ آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از بین این جامعه انتخاب شد. از بین مراجعه کنندگان، با استفاده از فرمول کوکران برای جامعهٔ نامحدود ۱۵۰ نفر به عنوان نمونهٔ مطالعهٔ اول انتخاب شدند که ۷۵ نفر از آنان در گروه ترک و ۷۵ نفر دیگر در گروه ترکمن جای داشتند و برای مطالعهٔ دوم نیز از بین این ۱۵۰ نفر، به صورت تصادفی و با احتساب ریزش‌ها، ۸ نفر درگروه آزمایش ترک، ۸ نفر در گروه آزمایش ترکمن، ۷ نفر در گروه کنترل ترک و ۷ نفر در گروه کنترل ترکمن قرار گرفتند.

ابزارهای اندازه‌گیری

۱. پرسشنامهٔ رضایت زناشویی اِنریچ: پرسشنامهٔ رضایت زناشویی انریچ[1] توسّط السن و فوور (Olson & Fowers,1993) برای بررسی میزان رضایت زناشویی ساخته شد که دارای ۱۱۵ سئوال می‌باشد. سپس فرم ۴۷ سئوالی آن ساخته شد که در ایران توسط احمدی هنجاریابی شده است. این مقیاس شامل ابعاد و موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد و جهت‌گیری مذهبی و معنوی می‌باشد. پرسشنامه به صورت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) در نظر گرفته شده است که به هر گزینهٔ آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. در ضمن، برخی از پرسش‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره‌گذاری این مقیاس به دو روش انجام می‌گیرد: ۱- نمرهٔ رضایت کلی از روابط زناشویی: برای این منظور نمرات فرد در تمامی ۴۷ ماده جمع شده و نمرهٔ رضایت کلّی را تشکیل می‌دهد. این نمره، نمرهٔ خام است و برای تبدیل آن به نمرهٔ استاندارد و تفسیر وضعیّت زناشویی کافی است. ۲- محاسبهٔ نمرات مقیاس‌های فرعی: ابتدا مجموع نمرات برای هر یک از مقیاس‌های فرعی به

1. Enrich (Evaluation & Nurturing Relationship Issues Communication and Happiness)

طور جداگانه محاسبه می‌شود. سپس نمرهٔ هر مقیاس به عدد ۵ تقسیم می‌گردد که نمرهٔ ۱ بیانگر نارضایتی شدید و نمرهٔ ۵ بیانگر رضایت فوق‌العاده می‌باشد.

السن، مک کوبین، بارنز، ماکسن، لارسن و ویلسون (Mccubbin, Barnes, Muxen, Larsen & Wilson, 1989) اعتبار فرم اخیر را با استفاده از روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در کشور ما اوّلین‌بار سلیمانیان (Soleymaniyan, 1994) همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند. در یک پژوهش مهدویان (Mahdavian, 1997) در کار روی اعتبار آزمون، ضریب همبستگی پیرسون را با روش بازآزمایی، ۰/۹۴ به دست آورد. همچنین ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش میرخشتی ۰/۹۲ به دست آمده است. کلیهٔ خرده مقیاس‌ها زوج‌های ناسازگار و سازگار را متمایز می‌کند و این نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاکی خوبی برخوردار است. السن و فوور (Olson & Fowers,1993) در یک کار پژوهشی میزان اعتبار این پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند. بررسی نشان داد که توانایی تمییز زوجین خوشبخت از زوجین غیرخوشبخت از طریق این مقیاس ۰/۸۵ تا ۰/۹۵ دقت و صحت دارد.

۲. پرسشنامهٔ تمایزیافتگی خود: پرسشنامهٔ تمایزیافتگی خود[1] توسط اسکورون و دندی با هدف سنجش تمایزیافتگی افراد از خانوادهٔ اصلی آن‌ها ساخته شد و در ایران توسط اسکیان (Skyan, 2008) در تهران هنجاریابی شد. این پرسشنامه یک ابزار ۴۶ سئوالی است. تمرکز این ابزار بر ارتباط‌های مهم زندگی و روابط جاری افراد با خانوادهٔ اصلی می‌باشد و دارای چهار خرده مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران است. پرسشنامهٔ تمایزیافتگی خود با مقیاس لیکرت در یک طیف شش گزینه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) درجه بندی شده است. به هر سئوال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. در ضمن، بعضی از سئوالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. حداقل نمرهٔ این پرسشنامه برابر با ۴۶ و حداکثر نمرهٔ آن برابر با ۲۷۶ است. نمرهٔ کمتر در این پرسشنامه نشانهٔ سطوح پایین‌تر تمایزیافتگی است.

ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامهٔ تمایزیافتگی خود توسّط اسکورون و فریدلندر ۰/۸۸ و توسط پلج- پوپکو (Peleg - Popko, 2004) ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش اسکیان (Skyan, 2008) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمده است. ضریب آلفای این پرسشنامه در پژوهش شکیبایی (Shakibai, 2006) به روش بازآزمایی نیز ۰/۸۱، در پژوهش استوار ۰/۷۷ و در پژوهش خزائی و رفیع (Khazaie &

1. Differentiation of Self Inventory

۰/۹۰ (Rafi, 2007) به دست آمده است که پایایی بالای این پرسشنامه را نشان می‌دهد. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامۀ تمایزیافتگی خود، از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در این زمینه نظرخواهی شد که روایی محتوایی این ابزار را مورد تایید قرار دادند (Knauth & Skowron, 2004).

روش اجرا

در این پژوهش پس از مراجعه به بیمارستان تأمین اجتماعی شهر بجنورد و شناسایی زنان ترک و ترکمن پرسشنامه‌های پیش‌آزمون بین آن‌ها توزیع و اجرا گردید. پس از وارد کردن داده‌های مربوط به پیش‌آزمون در نرم افزار SPSS، آن دسته از زنانی که در زمینۀ مؤلفۀ تمایزیافتگی و رضایتِ زناشویی دارای نمرات پایین بودند، شناسایی شدند. سپس این افراد به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. مداخلۀ سیستمی بوئن به مدت ۸ جلسۀ ۲ ساعته به صورت هر هفته یک جلسه در مورد گروه آزمایش اجرا شد و در نهایت در آخرین جلسۀ گروه، پرسشنامه‌های پس‌آزمون بین آنان توزیع و اجرا گردید و نمرات به دست آمده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون با هم مقایسه شد. لازم به ذکر است که به منظور رعایت موارد اخلاقی، پس از اتمام پژوهش، مداخلۀ فوق در مورد گروه کنترل نیز اجرا گردید.

جدول ۱: خلاصۀ جلسات، چهارچوب و ساختار کلّی جلسات

جلسات	اهداف و روند جلسات
اوّل	معارفه و آشـنایی اعضـاء با یکدیگر و رهبر گروه، بیان اهداف گروه، ذکر منشـور مشـاورۀ گروهی و گرفتن تعهد از اعضاء
دوم	ارزیابی خانواده، ترسیم ژنوگرام و بررسی الگوهای آن‌ها
سوم	آشنایی و کار روی مفهوم تمایزیافتگی، توضیح در مورد جدایی افکار از احساس و جدایی فرد از خانواده و ارزیابی افراد در این خصوص
چهارم	آشنا کردن اعضاء با مفهوم هم وابستگی[1] و چگونگی بهبود در آن
پنجم	آشنایی اعضاء با مفاهیم مثلث‌سازی و نظام عاطفی خانوادۀ هسته‌ای و تأثیر آن‌ها در ایجاد و تداوم مشکل
ششم	آشنایی اعضاء با مفاهیم فرایند فرافکنی خانوادگی، گسلش عاطفی و تأثیر آن‌ها در مشکلات خانواده
هفتم	آشنایی اعضاء با جایگاه هم‌شیرها و فرایند انتقال چند نسلی
هشتم	مروری بر تمامی جلسات و راهبردهای نهایی برای بهبود وضعیت و اجرای پس‌آزمون

1. Symbiosis

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش از نرم افزار۱۶- SPSS استفاده شد. از آزمون کلموگروف – اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و F لوین جهت بررسی تفاوت میانگین و بررسی همسانی واریانس‌ها در پیش‌آزمون استفاده شد. همچنین از آزمون تحلیل کواریانس برای مقایسهٔ تفاضل نمرات پس‌آزمون از پیش‌آزمون در دو قومیّت استفاده گردید.

یافته‌ها

پیش از تحلیل داده‌ها، مفروضه‌های آماری مورد نیاز جهت انجام تحلیل کواریانس بررسی گردید. در خصوص مفروضهٔ نرمال بودن متغیرهای پژوهش، نتایج آزمون کلموگروف- اسمیرنوف نشان داد که توزیع متغیرهای پژوهش نرمال می‌باشد. به منظور بررسی همتا بودن دو گروه از نظر سن، تحصیلات، شغل، درآمد، نوع ازدواج، مدت ازدواج و تعداد فرزندان از آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیره (ANOVA) استفاده شد. با توجه به اینکه آزمون لوین، فرض همگنی واریانس گروه‌ها را در آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیره بررسی می‌کند، ابتدا نتایج این آزمون در جدول شمارهٔ ۲ گزارش می‌شود:

جدول۲: نتایج آزمون برای بررسی همگنی واریانس‌ها

متغیر	شاخص اوین	Df1	Df2	Sig
سن	۱/۴۷	۳	۲۶	۰/۲۴
تحصیلات	۰/۲۵	۳	۲۶	۰/۸۵
شغل	۰/۳۲	۳	۲۶	۰/۳۲
درآمد	۶/۰۵	۳	۲۶	۰/۱۱
نوع ازدواج	۰/۳۱	۳	۲۶	۰/۸۱
مدت ازدواج	۲/۲۵	۳	۲۶	۰/۱۱
تعداد فرزندان	۰/۹۹	۳	۲۶	۰/۴۱

همان‌گونه که در جدول شمارهٔ ۲ مشاهده می‌شود، برای متغیرهای ذکر شده مفروضهٔ همگنی واریانس‌ها در همهٔ متغیرها تأیید می‌شود. در نتیجه می‌توان آزمون ANOVA را انجام داد، که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۳ گزارش شده است:

جدول۳: آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای بررسی همتا بودن گروه‌های پژوهش در متغیرهای سن، تحصیلات، شغل، درآمد، نوع ازدواج، مدت ازدواج و تعداد فرزندان

منبع واریانس	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	Sig
سن	۱۱۷/۹۳	۳	۳۹/۳۱	۱/۵۳	۰/۲۳
تحصیلات	۴/۲۷	۳	۱/۴۲	۰/۴۵	۰/۷۱
شغل	۰/۲۳	۳	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۹۳
درآمد	۲/۲۹	۳	۰/۷۶	۱/۲۷	۰/۳۰
نوع ازدواج	۰/۹۶	۳	۰/۳۲	۱/۳۴	۰/۲۸
مدّت ازدواج	۴۲/۴۸	۳	۱۴/۱۶	۰/۴۳	۰/۷۲
تعداد فرزندان	۷/۷۶	۳	۲/۵۸	۱/۷۸	۰/۱۷

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه نشان می‌دهد که دو گروه از نظر متغیرهای ذکر شده همگن هستند. به علاوه مفروضهٔ همگنی شیب‌های رگرسیون نیز در مورد همهٔ متغیرها رعایت گردیده است. بنابراین، بررسی فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس بلامانع می‌باشد.

به منظور بررسی این موضوع که رویکرد سیستمی بوئن بر افزایش تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در زنان ترک گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، اثر معنی‌دار دارد، از تحلیل کواریانس چند متغیری (MANCOVA) استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول شمارهٔ ۴ آمده است:

جدول۴: نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تأثیر مداخلهٔ درمانی بر متغیرهای وابسته

گروه	مقدار	F	درجهٔ آزادی فرضیه	خطای درجهٔ آزادی	Sig	ضریب اتا
اثر پیلایی	۰/۶۱	۳/۵۱	۶	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۳۰
لامبدای ویلکز	۰/۴۰	۴/۴۳	۶	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۳۷
اثر هتلینگ	۱/۴۶	۵/۳۷	۶	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۴۲
بزرگ‌ترین ریشه اختصاصی روی	۱/۴۴	۱۱/۵۷	۶	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۵۹

نتایج جدول شمارهٔ ۴ نشان می‌دهد که با کنترل اثر پیش‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل، بین این دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این بدان معنا است که رویکرد سیستمی بوئن حداقل بر یکی از متغیرهای وابسته اثرگذار بوده است.

به منظور آگاهی از اینکه روش مداخله بر هر یک از متغیرهای تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی چه مقدار تأثیر داشته است، از تحلیل کواریانس یک‌راهه (ANCOVA) در متن مانکوا استفاده شده است. در جدول شمارهٔ ۵ نتایج تحلیل کواریانس یک‌راهه (ANCOVA) در متن مانکوا به منظور مقایسهٔ میانگین تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داده شده است:

جدول۵: نتایج تحلیل کواریانس مقایسهٔ میانگین متغیرهای وابسته در گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیر	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	ضریب اِتا
تمایز یافتگی	پیش‌آزمون	۷۳/۲۸	۱	۱۴/۱۶	۰/۴۵	۰/۵۰	۰/۰۱
	مداخلهٔ گروه	۲۴۹۰/۵۵	۳	۸۳۰/۱۸	۵/۱۶	۰/۰۰۷	۰/۳۹
	خطا	۳۸۵۴/۸۶	۲۴	۱۶۰/۶۱	–	–	–
رضایت زناشویی	پیش‌آزمون	۱۴/۱۶	۱	۱۴/۱۶	۰/۱۲	۰/۷۲	۰/۰۰۵
	مداخلهٔ گروه	۱۷۹۲/۸۲	۳	۵۹۷/۶۰	۵/۳۱	۰/۰۰۶	۰/۴۰
	خطا	۲۶۹۷/۷۰	۲۴	۱۱۲/۴۰	–	–	–

همانگونه که در جدول شمارهٔ ۵ ملاحظه می‌شود، مقدارF به دست‌آمده مربوط به اثر متغیر مستقل برای متغیر تمایزیافتگی و رضایت زناشویی به ترتیب ۵/۱۶ و ۵/۳۱ می‌باشد که هر دو در سطح آماری ۰/۰۵ معنی‌دار هستند، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر رویکرد سیستمی بوئن بر افزایش تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در زنان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، معنی‌دار است.

به منظور مقایسه و بررسی تفاوت میزان اثربخشی رویکرد بوئن بر افزایش تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی زنان ترک در مقایسه با زنان ترکمن، از تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) استفاده شد که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۶ ملاحظه می شود:

جدول۶: آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای بررسی تفاوت متغیرهای تمایزیافتگی و رضایت زناشویی در زنان ترک و ترکمن

متغیر	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	Sig
تمایزیافتگی	۹/۶۳	۱	۹/۶۳	۰/۰۴	۰/۸۴
رضایت زناشویی	۰/۵۳	۱	۰/۵۳	۰/۰۰۳	۰/۹۵

همان‌گونه که جدول شمارهٔ ۶ نشان می‌دهد، میزان اثربخشی رویکرد بوئن بر افزایش رضایت زناشویی و تمایزیافتگی در بین دو گروه زنان ترک و ترکمن تفاوت معنی‌داری ندارد.

نتیجه

با توجّه به نتایج جدول ۵ با احتمال ۰/۰۱ در زنان ترک (p<۰/۰۱) و کمتر از ۰/۰۵ در زنان ترکمن (p<۰/۰۳) بین نمرات تمایزیافتگی خود گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. بنابراین، فرضیهٔ اوّل و سوم پژوهش تأیید می‌شوند. از جمله تحقیقات همسو با این فرضیه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. شکیبایی (Shakibai, 2006) در پژوهشی نشان داد که استفاده از برنامهٔ آموزشی خودمتمایزسازی به طور معنی‌داری بر افزایش تمایزیافتگی زنان مطلقه مؤثر بوده است. خزائی (Khazaie, 2007) نیز در پژوهشی نشان داد که آموزش تمایزیافتگی می‌تواند میزان صمیمیت و تمایزیافتگی را در زوج‌ها افزایش دهد. در فرهنگ کنونی ما نقش‌های جنسی می‌تواند به عنوان یک عامل برانگیزاننده برای حرکت از با هم بودن به سوی فردیّت عمل کند. این نقش‌ها به طور ناهشیار زنان را تشویق می‌کند تا به جای اینکه دربارهٔ علایق خود گفت‌وگو کنند، از حقوق خود به نفع همسر و مخصوصاً فرزندانشان بگذرند و بدین طریق مسئولیّت شوهران و پسرانشان اضافه گردد و همین امر گاه باعث می‌شود که زنان در مقایسهٔ خود با مردان احساس بی‌عدالتی و نابرابری کنند و در رنج به سر ببرند که البتّه این احساس در فرهنگ‌های کوچک‌تر و بسته‌تر از جمله زنان متعلق به قومیّت‌ها که معمولاً دارای فرهنگ مردسالارانه هستند، می‌تواند پر رنگ‌تر جلوه نماید. از سوی دیگر با توجّه به این که بسیاری از زنان، خانه‌دار و از لحاظ مالی به همسران خود وابسته هستند، چنین نابرابری‌-های اقتصادی موجب نابرابری‌های قدرت میان زن و شوهرها می‌شود. لذا، آن‌ها به طرق مختلف از جمله کسب مدارج تحصیلی بالاتر، وارد شدن به بازار کار و رسیدن به استقلال اقتصادی، سعی بر احقاق حقوق خود و خارج شدن از شرایط زندگی سنتی می‌کنند و در صدد هستند تا با افزایش توانایی‌های خود، تعریفی از خویشتن ارائه دهند. همچنین با توجّه به جدول ۵ با احتمال کمتر از ۰/۰۵ در زنان ترک (p<۰/۰۳) و کمتر

از ۰/۰۱ در زنان ترکمن ($p<0/001$) بین نمرات رضایت زناشویی دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. بنابراین، فرضیهٔ دوم و چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود. از جمله تحقیقات همسو با این فرضیه‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ان جی (Ng, 1992) در پژوهشی نشان داد که افراد با تمایزیافتگی بالا و دارای یک خود واقعی می‌توانند از صمیمیّت عاطفی در روابط مهمّ خود لذّت ببرند و رضایت زناشویی بالایی را تجربه می‌کنند. اسکورون (Skowron, 2000) در مطالعه‌ای نشان داد که نمرات تمایزیافتگی، ۷۴٪ واریانس نمره‌های سازگاری زناشویی مردان و ۶۱٪ واریانس نمره‌های سازگاری زناشویی زنان را تبیین می‌کند. خزائی (Khazaie, 2007) نیز در پژوهشی نشان داد که آموزش تمایزیافتگی می‌تواند میزان صمیمیّت را در زوج‌ها افزایش دهد.

اختلال در روابط زناشویی ناشی از برداشتی است که زن و شوهر دربارهٔ رفتار همسر خود دارند و نه خود رفتار (Eliss, 1992). با توجّه به این‌که آموزش تمایزیافتگی می‌تواند منجر به رشد فکری افراد شود و منظور از رشد فکری توانایی شخص درتصمیم‌گیری عاقلانه است (Soleymaniyan, 1994)، بنابراین می‌توان انتظار داشت که این پژوهش، فرصتی باشد تا افراد شرکت‌کننده در آن، راجع به خود و روابطشان، بیشتر بیاموزند، نگاه متفاوتی به طرز رفتارشان با همسر و فرزندانشان داشته باشند، به طوری که بتوانند مسئولیّت مشکلات خودشان را به عهده بگیرند و از سرزنش کردن دیگران و دنبال مقصر گشتن دست بردارند و به نقش‌های خودشان در مشکلات خانوادگی و فرایندهای میان‌فردی، پی ببرند. همچنین آموزش تمایزیافتگی می‌تواند منجر به رشد عاطفی نیز شود. رشد عاطفی به معنای تسلط داشتن روی عواطف مثبت و منفی است و زمینهٔ ارتباطات بین فردی و اجتماعی افراد را فراهم می‌کند. بنابراین با آموزش تمایزیافتگی و به تبع آن رشد عاطفی و پختگی روانی باعث می‌شود که همسران معایب و نقایص یکدیگر را بپذیرند و آن‌ها را به رخ هم نکشند و در حالات مختلف انعطاف‌پذیری داشته و واکنش مناسب نشان دهند. در مسائل مختلف زندگی به طور مستقل تصمیم‌های منطقی گرفته و با افراد با تجربه و صلاحیت‌دار مشورت کنند، انتقادهای سازنده را در جهت تغییر و اصلاح رفتار خود بپذیرند، احساس تعلّق‌خاطر کنند و بتوانند به دیگران محبّت نمایند (Harvey, 2009). از سوی دیگر، آموزش تمایزیافتگی به زوجین کمک می‌کند تا بین خود و فرزندان، شغل، خانوادهٔ مبدأ و ... مرزهای روشن و مشخّصی را ایجاد نمایند و سعی کنند تا با رسیدگی به نیازهای خود و جلوگیری از دخالت اطرافیان در زندگی مشترک و گرفتن تصمیمات مستقل، زمینه را برای رضایت بیشتر از زندگی زناشویی خویش فراهم آورند.

در نهایت این که در بسیاری از ازدواج ها، عدم استقلال یکی از زوجین باعث بروز اختلاف می‌شود. افرادی که استقلال ندارند، اختیار ندارند و آزاد نیستند، به نوعی وابسته‌اند و توجهشان بیشتر به دیگران معطوف است. اهل فکر کردن و اندیشیدن نیستند، بلکه حس تقلید بالایی دارند. چون هر چیز را قبول ندارند، دائماً دنبال کسی هستند تا به جای آنان تصمیم بگیرد و مسئولیت را از گردن آن‌ها بردارد و گاهی حتّی در امور ساده دچار تزلزل اراده می‌شوند. بنابراین افرادی که روحیّهٔ استقلال‌طلبانه ندارند، زندگی مشترک موفقی هم ندارند. از طرفی توسعهٔ روابط آیندهٔ افراد به شدّت تحت تأثیر سطح تمایزیافتگی است. افرادی که تمایزیافته هستند در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی زناشویی توانایی برخورد منطقی و عقلانی را داشته و می‌توانند از برخورد با مسائل به صورت احساسی جلوگیری کنند. آن‌ها به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمّل کنند. بنابراین، این افراد توانایی حلّ مسائل را به صورت مسالمت‌آمیز دارند. آموزش رویکرد بوئن موجب استقلال افراد می‌گردد. افراد مستقل توانایی‌ها و محدودیّت‌های خود را به خوبی می‌شناسند و این شناخت به تصمیم‌گیری درست کمک می‌کند. آن‌ها در مورد مسائل مختلف خوب فکر می‌کنند و ارزیابی آنان درست است. پس پیامدها و نتایج کارهای خود را بر عهده می‌گیرند و می‌توانند رضایت را در زندگی زناشویی تجربه کنند (Sharf, 2011).

با توجّه به جدول ۶ با احتمال بیشتر از ۰/۰۵ میزان اثربخشی رویکرد بوئن بر افزایش تمایزیافتگی خود (p<۰/۸۸) و رضایت زناشویی (p>۰/۷۵) دو گروه ترک و ترکمن تفاوت معنی‌داری ندارد. بنابراین، فرضیهٔ پنجم و ششم پژوهش رد می‌شود. به نظر می‌رسد با وجود تفاوت‌های فرهنگی آشکار بین دو قوم مذکور، علّت اصلی عدم تفاوت در تمایزیافتگی و رضایت زناشویی در زنان این دو قوم، به خاطر تعاملات و مراوداتی است که در دهه‌های اخیر بین آن‌ها به وجود آمده است و در نهایت منجر به سبک زندگی یکسان در بین خانواده‌های این دو قوم شده است. همچنین این دو قوم از آموزش و پرورش یکسان و متمرکز برخوردار هستند امّا از همه مهمتر می‌توان به نقش رسانه‌های جمعی اشاره کرد؛ زیرا این رسانه‌ها بیشتر بر برنامه‌های ملی تأکید دارند؛ در نتیجه تفاوت‌های فرهنگی بین قومیّت‌ها کمتر می‌شود و آن‌ها نیز به تبع برنامه‌های ملّی به سمت یکپارچگی حرکت می‌کنند. از این‌رو، فرهنگ، مسائل خانوادگی و پیوندهای زناشویی قومیّت‌ها نیز روز به روز به یکدیگر نزدیک‌تر و حتی شبیه‌تر می‌شود تا حدی که نمی‌توان بین این مسائل تمایز و تفاوت‌های چندانی مشاهده کرد. تاکنون تحقیقی که اختصاصاً در مورد اثربخشی رویکرد بوئن بر افزایش رضایت زناشویی و تمایزیافتگی زنان دو قوم ترک و ترکمن صورت گرفته باشد، انجام نشده است، اما تحقیقات مختلفی وجود دارد که به بررسی اثربخشی رویکرد بوئن بر افزایش رضایت زناشویی و

تمایزیافتگی در گروه‌ها و قشرهای مختلف صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهش بهات (Bahatt, 2001) و اسکورون (Skowron, 2004) روی «نژادهای مختلف»، فردیناند (Ferdinand, 2001) روی «زوجینی که در قبل یا اوائل ازدواج بودند»، کر (Kerr, 1978) روی «زوجین تازه ازدواج کرده»، ریچارد (Richard, 1989) روی «زوجینی که در مراحل سوم و چهارم زندگی زناشویی بودند»، پلج (Peleg, 2008) روی «زوجینی که در مراحل مختلف زندگی زناشویی بودند»، غفاری و همکاران (Ghaffari, 2010) روی «معتادین و خانواده‌های آن‌ها»، رجبی و رسایی (Rajabi, & Rasaii, 2009) روی «کارکنان ادارات دولتی»، باصولی (Basooli, 2013) روی «زنان بد سرپرست» و شکیبایی (Shakibai, 2006) روی «زنان مطلقه»، اشاره کرد. نتایج به دست آمده از این تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش رویکرد بوئن منجر به افزایش معنی‌دار رضایت زناشویی و تمایزیافتگی گردیده است. به طور کلّی، نتایج به دست آمده از پژوهش‌های متعدد پیشین و پژوهش حاضر گویای این هستند که آموزش رویکرد سیستمی بوئن تأثیر مثبتی بر افزایش تمایزیافتگی و به تبع آن رضایت زناشویی زوج‌ها دارد. در واقع، آموزشی که صورت گرفت به افراد کمک کرد تا توانایی خود را برای تفاوت قائل شدن میان تفکر و احساس افزایش دهند، نحوهٔ استفاده از آن توانایی برای حلّ مشکلات ارتباطی را بیاموزند و رضایت خود از زندگی زناشویی را افزایش دهند. از جمله محدودیّت‌های این پژوهش می‌توان به عدم کنترل متغیّرهای مداخله‌گری چون وضعیت فرهنگی و اجتماعی، هوش، شخصیّت و ... و اجرای پژوهش فقط روی زنان اشاره کرد، چرا که تعمیم‌پذیری آن را محدود می‌کند. همچنین ابزار به کار گرفته شده در این پژوهش، فقط پرسشنامه است و استفاده از یک ابزار ممکن است نتواند اطّلاعات دقیقی را جمع‌آوری کند.

پیشنهادات

در پایان پیشنهاد می‌شود با توجّه به این که در کشور ایران افراد به شدّت در سیستم عاطفی خانوادهٔ هسته‌ای خود درگیر هستند و به صورت آگاهانه و ناآگاهانه از آن تأثیر می‌پذیرند، اجرای این برنامه به طور کلّی گام مؤثّری در کمک به تمایزیافتگی افراد خواهد بود. استفاده از رویکرد بین نسلی در مراکز مشاوره و به خصوص مشاوره‌های پیش از ازدواج با تأکید بر خانوادهٔ اصلی و تمایزیافتگی به عنوان عامل اثرگذار بر رضایت زناشویی، به شناخت بیشتر طرفین از هم و لذا تصمیم‌گیری بهتر کمک شایانی خواهد کرد. همچنین بررسی مقایسه‌ای مشاورهٔ گروهی بوئنی بر افزایش رضایت زناشویی و تمایزیافتگی روی مردان و یا نمونه‌ای از زوجین، مقایسهٔ آموزش مبتنی بر مشاورهٔ گروهی بوئنی با سایر رویکردهای درمانی، مقایسه این رویکرد

در سایر مؤلفه‌های مربوط به زنان، مردان و یا زوجین همراه با پیگیری و اجرای این پژوهش با کنترل متغیرهای بیشتر همچون وضعیت فرهنگی و اجتماعی، هوش، شخصیّت و .... انجام شود.

References

Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M.H. (2010). Effect of family problem solving on marital satisfaction. *Journal of Applied Science*, 10(8), 682-687. (In Persian).

Afzali, S. (2004). Comparison of marital adjustment of male teachers of Ahwaz primary school based on the emotional consistency of their husbands with control of age and duration of the marriage, Master's thesis of family counseling, Faculty of Education and Psychology, Chamran Martyr of Ahwaz University. (In Persian).

Bahatt, P. (2001). Differentiation of self and marital adjustment within the Asian American population. *Journal of Marital and Family and Therapy*, Vol.12.pp.75-84.

Barahmand, U. (2010). Self-differentiation women with and without mental disorders. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 559-562.

Barazandeh, H., Sahebi, A., Amin Yazdi, S. A., & Mahram, B. (2006). The relationship of attachment criteria with marital adaptation. *Iranian Psychology Journal*, 2(8), 319-330. (In Persian).

Basooli, H. (2013). Investigating the relationship between daily spiritual experience, marital satisfaction, and depression by mediating self-differentiation (Emotional fault and emotional responsiveness) among poor women in Dashtestan, Master's thesis of family counseling, Faculty of Education and Psychology, Chamran Martyr of Ahwaz University. (In Persian).

Behpazhooh, A. (2004). *Family pathology and preventing family conflict*. Tehran: Parents & Coaches. (In Persian).

Bek, A. T. (2011). *Love is never enough*. Translation by Mehdi Gharacheh Daghi. Tehran: Zehn Aviz. (In Persian).

Birgandi, S. M. (1998). *Counseling and marriage in the family*. Tehran: Avaye Noor. (In Persian).

Bowen, M. (1976). Theory in the practice of psychotherapy. In P. J. Guerin, Jr. (Ed), *Family Therapy: Theory and Practice*. New York: Gardner Press.

Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practic*. New York: Aronson.

Ghaffari, F., Rafiii, H., & Sanaii, B. (2010). The effectiveness of family education using the Bowen system theory on the distinction and function of families with addicted children. *Family Research*, 6, 22. (In Persian).

Donovan, J. M. (1999). *Short-term couple therapy*. New York: The Guilford Press.

Edalati Shateri, Z. (2009). Effect of time plan (enriching marriage) on marital satisfaction of married students. Master's thesis for clinical psychology, *Faculty of Education and Psychology*, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian).

Ellis, B. J. (1992). The Evolution of sex attraction: Evolution mechanisms in woman. In the *adapted mind, evolution of psychology and generation of culture*, Edited by J. H. Barkon, L. C. Smedes, and J. Today. New York. Oxford University.

Ferdinand, L. (2001). The influence of differentiation of in individual and couples functioning in premarital and newlywed couples. Masters of thesis in Georgia State

University.
Friedman, E. (1991). Bowen theory and therapy. In A. S. Gurman & D. P. Kniskern (Eds), Handbook of family therapy (Vol. II). New York: Brunner/Mazel.
Harvey, M. (2009). *A comprehensive book of couples therapy*. Translation by Ahmadi, KH. , Akhavi, Z, &, Rahimi, A. A., Tehran: Danzheh. (In Persian).
Hofetede, G. (2010). Culture and organization. Thousands of Oaks, Ca. Sags Publications.
Kalvandi, F. (2011). Survey on health relationship of the main family with coherence and flexibility of children parents from their perspective, Third general congress of clinical psychology research, recovery on 2nd of Bahman. (In Persian).
Kerr, M. E. (1981). Family systems theory and therapy. In A. S. Gurman & D. P. Kniskern (Eds.), Handbook of family therapy. New York: Brunner / Mazel.
Khazaie, S. (2007). Study of the effect of differentiation training on the degree of intimacy and level of differentiation of couples. Thesis Master's Degree Counseling, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University of Tehran. (In Persian).
Knauth, D. G. and Skowron, E. A. (2004). Psychometric evaluation of the differentiation of self-inventory (DSI) for adolescence. *Nursing Research*, 53 (3), 163-171.
Mahdaviyan, F. (1997). The effect of communication education on marital satisfaction and mental health, Master's Thesis, Tehran Psychiatric Institute. (In Persian).
Maser, M.J. (2011). Construct validity of differentiation of self-measures and their correlates. Doctoral dissertation. Seton Hall University.
Murphy, M. F. (1999). Is the Bowen theory universal? Level of differentiation of self and marital adjustment among Asian- American. Ph.D. Dissertation of Wright Institute Graduate School of Psychology. 17-43.
Naghshbandi, C. & Arjmand, E. (2013). *Family therapy*. Tehran: Ravan. (In Persian).
Ng, M. G. (1992). Family of origin differentiation a marital satisfaction in healthy like, healthy unlike, unhealthy like and unhealthy, unlike couples. (Doctoral Dissertiation, Texas Women, University (1991). *Dissertation Abstracts International*, 52, 3090.
Olson, D. H., Mccubbin, H. I., Barnes, H. L., Muxen, M. J., Larsen, A. S. & Wilson, M. A.(1989). *Families*. California: Sage Publication Inc.
Olson, D. H., and Fowers, B. J. (1993). Five types of marriage: An empirical ty- Olson, D. H., McCubbin, H. I., Barnes, H. L., Muxen, M. J., Larsen, A. S. and Wilson, M. A. (1989). *Families*. California: Sage Publication Inc.
Papero, D. V. (1983). Family systems theory and therapy. In B. B. Wolman & G. Stricker (Eds), *Handbook of family and marital therapy*. New York: Plenum.
Papero, D. V. (1990). *Bowen family system theory*. Boston: Allyn & Bacon.
Peleg- Popko, O. (2004). Differentiation and test anxiety in adolescents. Journal of
Pines, A. M. (2005). *Falling in love*. New York: Routledge.
Peleg, O. (2008). The Relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *The American of Family of Family Therapy*, 36:388-401.
Prochaska, G., Norcross, G. (2010). *Theories of psychotherapy (Psychotherapy systems*). Translation by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Ravan. (In Persian).
Rafi, L. (2007). Comparison of the level of differentiation of offspring of conflicting families with the children of unconventional families. Master Thesis Consultation. Faculty of Education and Psychology, Khatam University of Tehran. (In Persian).
Rajabi, G. H., Rasaii, A. (2009). Investigating components of mental happiness and level of

differentiation in predicting marital satisfaction among employees of government offices in Kerman. *Updates and research Counseling*, 8: 31- 32. (In Persian).

Rudy, Duane,Sheldon, Kennon, Awong, Tsasha, Hoon Tan, Hwee. (2007). Autonomy, culture and well being: the benefits of inclusive autonomy. *Journal of Research in Personality*. *4*, 983-1007.

Sanaii Zaker, B. (1995). *Psychotherapy and group counseling*. Tehran: Chehr.(In Persian).

Shakibai, T. (2006). The effect of self-differentiation training on the mental health of women in district 5 of Tehran. Master Thesis Consultation. School of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabatabai University of Tehran. . (In Persian).

Sharf, R. (2011). *Psychotherapy and counseling theories*. Translation by Mehrdad Firuzbakht. Tehran: Rasa. (In Persian).

Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment, *Journal of Counseling Psychology*, 47, 237-239.

Skowron, E. A., and Friendlander, M. L. (1998). The differentiation of self-inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45: 1-11.

Skowron EA, Dendy AK (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlated of effortful control. JcontempFamTher, 26(3): 337- 57.

Skyan, P., Sanaii Zaker, B., & Navvabinezhad, S. H. (2008). The effect of psychodrama on increasing the differentiation of the original family among high school girl students in Tehran district 5. *Consulting research*, 7(25): 27- 42.

Soleymaniyan, A. (1994). Review the effect of irrational thinking based on the cognitive approach to marital dissatisfaction, Thesis Master's Degree Counseling, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University of Tehran. (In Persian).

Spray, K. (2008). *Family therapy: Guaranteed effective treatment*. Translation by Shokooh Navvabinezhad. Tehran: Center for Family Studies and Research. (In Persian).

Yoonesi, S. G., Shiri, Z. (2009). *Treatment of mental disorders in children, adolescents, and families*. Tehran: of Welfare and Rehabilitation Sciences Publications. (In Persian).

Young, M. E & Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. New York, Brooks / Cool Publisher Company.